

## تحلیل فیلم های تربیتی خانم علی بخشی کلاس های مدرسه عالی تربیتی مادران ۱۴۰۰/۱۱/۷

اللهم صل علی فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها و سرالمستودع فیها بعدد ما احاط به علمک خدمت همه مادران گرامی سلام عرض می کنم. خداوند را شاکرم که این فرصت را به بنده داد که یک جلسه دیگر را با همدیگر در مورد موضوع تحلیل تربیتی فیلم بازی و انیمیشن کودک و نوجوان، جلسه ای را داشته باشیم.

جلسه قبل مفصل در مورد موسیقی مرتبط با نوجوانان صحبت کردیم. در مورد موسیقی که دارد برای نوجوان ها در دنیا خصوصاً جوانهای ایرانی را درگیر کرده صحبت کردیم و گفتیم برای هدف هویت سازی برای نوجوان ها دارد ساخته می شود. گفتیم اولش بحث این فیلم های کره ای بود که وزیرمان هم سفر کره رفته بود فیلم های کره ای الان چقدر دارد در تلویزیون ما پخش می شود خودبخود جذابیت هنرپیشه ها طوری می شود که نوجوان ها می روند آن هنرپیشه ها را سرچ می کنند اطلاعات شان زیاد می شود و کم کم می روند سمت این بحث که در موردش صحبت کردیم.

آیا تا به حال شده گوشی موبایل تان را چک بکنید و متوجه شوید که فرزندتان صحنه ای را دیده یا تصویری را که نباید می دیده، دیده یا کلمه ای را سرچ کرده که نباید سرچ می کرده یا فیلمی را دیده که نباید می دیده. یا در تبلت با دوستانش چت هایی کردن و چیزهایی بین شان رد و بدل شده که اصلاً نمی پسندم. آیا تا به حال با این شرایط مواجه شدید؟

یکی از مادران: پسر من الان 14 سالش است. پارسال یا قبل تر بود بود از این بچه ها هم نیست که دنبال این باشه که تنها موردی بود که اتفاق افتاد هم خودش خیلی ناراحت شد هم من و پدرش خیلی به هم ریختیم سر این قضیه و در خانه باهاش صحبت کردیم گفت اصلاً از روی عمد نبوده، می خواسته در مورد یک فوتبالیست سرچ کنه و زندگی نامش رو ببینه، بعد می بینید که گوگل ما متاسفانه همه ی تصاویر رو به بدترین شکل نشون می ده بعد یک سری عکس های زننده و ناجور از این فوتبالیست رو آورده بوده که من وقتی لپ تاپ رو برداشتم و با آن کار داشتم سرچ کردم دیدم وحشت کردم یک لحظه سریع آمدم بیرون به پدرش گفتم یه لحظه این قدر ترس من رو برداشت گفتم وای این چه دیده؟ دیگه به پدرش گفتم چه کار کنم؟ گفت: هیچی خیلی واکنش نشون نده حالا درستش می کنم. خودش گفت بعدش

احساس ناراحتی و پشیمانی کرده بودم. من نمی دونستم اینطوری است. بچه ها توی مدرسه صحبت کرده بودن در مورد این فوتبالیست.

یکی دیگر از مادران فرمودند پسرشان 15 ساله و دخترشان 5 ساله هستند. دوستی فرمودند من 3 سال پیش با این مشکل مواجه شدم. اون موقع پسر 11 سالش بود. خدا رو شکر با کلی راهنمایی و کمک و فکر تونستم حلش کنم. مدام چک می کنم امیدوارم که حل بشه.

الهی شکر که مادر پیگیری بودید.

در این دو سال اخیر به خاطر این شرایط که پیش آمده و این فضای بی در و پیکر در اختیار بچه هامون قرار گرفته.

بازی هایی هم که هست یا ظاهر بازی خوبه تبلیغات بینش بد می یاد یا بازی رو شما می روی مرحله ی اول جایزه اش جایزه هایی که در مراحل بعد می ده می رود به سمت غیر اخلاقی شدن ماجرا و دردناک می شود.

بالاخره ممکنه ما با یک همچین شرایطی مواجه بشیم. اگر مواجه شدیم چکار کنیم؟ یک مرتبه اش این است و یک مرتبه این هست که ممکنه من اصلاً مواجه نشم ولی اینکه مواجه نشدن من دلیل بر این است که فرزندم اصلاً چنین موضوعاتی رو سرچ نکرده یا دنبالش نرفته یا همچین صحنه هایی رو نمی بینه یا ندیده و چه اتفاقی افتاده؟ ما می آییم از صفر تا صد این ماجرا رو به صورت یک سری قواعد کلی خدمتون عرض می کنم که اگر رعایتشون کنید در زمینه های دیگه ی تربیتی هم به ما کمک می کنه نه فقط این موضوع.

اولین قاعده این هست که من وقتی با چنین شرایطی مواجه می شم باید واقعاً خونسردی خودم رو حفظ کنم. آرامش داشته باشم. چون واکنش سریع و تند من قطعاً فرزندم یا مخاطبی که جلوی من هست رو هیجان زده می کنه. وقتی من تند برخورد می کنم اون هم اگر تازه بدون دلیل و از روی کنجکاوی ساده ی کودکانه بوده و مسئله ی خاصی نبوده، با واکنش تند من می فهمه که وای چقدر کار بده چقدر موضوع بیخ پیدا کرده بعد کنجکاوی توی ذهنش شدت پیدا می کنه، بعد احتمال اینکه برود مخفی کاری بکنه و کاری رو یواشکی انجام بده زیاده.

اول خونسردی مون رو حفظ کنیم و به خودمون بگیم که بالاخره ممکنه یه همچین شرایطی برای من هم پیش بیاد که حالا الان پیش آمده. دوم اینکه اگر من متوجه نشدم خیلی فکر نکنم فرزندم علیه السلام هستش و هیچ اتفاقی برای اون نمی یوفته. نسبت به این قضیه هم

کنکاش کنم و دقت کنم که احتمال داره فرزند من هم یک درگیری هایی توی این زمینه داشته باشه. یعنی حداقل این احتمال رو بدم.

دومین مسئله ای که من باید بهش دقت بکنم بحث سواد رسانه هست که می تونه به من کمک کنه. شما وقتی می روید خودتون به عنوان یک بزرگسال دوره ی سواد رسانه رو می گذرونین، یک سری اطلاعات عمومی توی سواد رسانه وجود داره یک سری اطلاعات برای خود بچه ها در سنین مختلف متناسب با سن<sup>۳</sup> شون وجود داره، و یک سری اطلاعات مختص والدین وجود داره.

پس سواد رسانه هم به من کمک می کنه که هم خودم اطلاعاتم تو این زمینه کامل بشه هم بدونم باید چه اپلیکیشنی رو باید نصب کنم چه برنامه هایی باید توی گوشی و لپ تاپم باشه این قسمت سواد رسانه خیلی کمک کننده است.

برای بچه ها اون قسمت از سواد رسانه کمک کننده هست که می آید بهشون مدیریت زمان یاد می دهد، از نظر علمی میاد توی سواد رسانه بهشون ثابت می کنه که هر چیزی رو نبینن، و اگر ببینن این آسیب ها رو داره؛ یا هم مدیریت زمان هم مدیریت دیدن و هم مدیریت محدودیت سنی و خیلی چیزهای دیگه رو سواد رسانه می آید مناسب سنشون یاد بده.

حذف کردن فیلم و کارتون و این رسانه که در اختیار اون هست تقریباً نشدنی، برای همه مون محدود کردن و مدیریت کردنش شدنی، چه بسا اگر بخواهیم یک چیزی رو از بچه ها بگیریم، باید یک چیزی جایگزینش کنیم. گفتم اگر می خواهید بچه ها به سمت این موسیقی ها گرایش پیدا نکنن، یا کمتر بروند، در هر چیزی افطار و زیاده روی ایراد داره و آسیب می زنه، جایگزین اینکه کاری کنیم فرزندمون به صورت افراطی به سمت موسیقی نره، این است که با بچه هامون زیاد حرف بزنین. گفتمانی که بین خانواده ها کم کم داره حذف میشه و خیلی آدم ها با هم حرف نمی زنن و به سمت امر و نهی ها و کسب تکلیف ها رفته؛ این داره آسیب می زنه و باعث می شه بچه ها رو از ما دور کنه.

یک قلم و کاغذ بردارین، یک جدول بکشین. توی خونه ی اول بگذارین علت. چه علت هایی ممکن بوده که فرزند من یک همچین فیلم هایی رو ببینه؟ تفکر خلاق که در این قضیه هست اینجا برای خودتون به درد می خوره. برای خودم بگم علت هایی که فرزند من رفته دنبال اینکه این صحنه ها رو ببینه چی بوده؟ علت اول، ممکنه فقط کنجکاوی دوره ی سنی اش باشه. علت دوم ممکنه دوستانش گفته باشن ببین، این فیلمه خیلی فیلم خوبی بوده. تو هم ببین. علت سوم ممکنه شروع سن بلوغ فرزندمه و یک کنجکاوی های جنسی براش اتفاق افتاده حالا خواسته برود مطلبی را ببیند یا بنویسد. یک همسایه ای داریم پسر یا دخترم داره

با اون می چرخه. اونها اصلاً توی قید و بند نیستند، گاهی ماهواره توی خانه شان روشن است، یک وقتی هم بچه ی من خونه ی اونها رفته. هر کدام از ما بر اساس شرایط خودمون بیاییم یک سری علت های احتمالی و نه حتمی؛ رو در نظر بگیریم.

یک سری اصول رو باید حتماً در این زمینه رعایت کنیم. یک جایی لازم است تغافل کنیم. جایی که یک بار چیزی را دیده، رد می شوم اینقدر حساس نمی شم این قدر بدبینانه به فرزندم نگاه نمی کنم. در یک مرحله ای شاید لازم نیست با پدرش هم در میون بگذارم. وقتی دیدم یک بار شد دو بار، حالا می روم با پدرش در میون می گذارم.

پس اصل اول تغافل، بحث دوم خونسردی ام را حفظ می کنم. اصل سوم مشورت است. بعد از اینکه این اصول رو دانستم، عملیاتی می کنم. می آیم آسیب شناسی هم می کنم. چه شده که یک بار دیدن فرزند من شده ده بار، چه شده که این کارتونی رو که من گفتم نباید ببینی حذفش کردم سی دی اش رو هم برداشتم، او دوباره می ره می بینه؟ چی شده که جدیداً فرزندم خیلی مخفی کار شده؟ شب هم می یاد یواش شامش رو می خوره بعد این گوشی رو می بره یواش یه گوشه می نشینه، توی جمع با ما تازگی حرف نمی زنه، این رو آسیب شناسی می کنم. آیا من با عصبانیت برخورد کردم و واکنش تندی داشتم یا تهدیدش کردم؟

باید مدیریت زمان رو در خانه داشته باشیم. مدیریت زمان هم فقط با وقت گذاشتن با بچه ها جبران می شه. اگر من بگم کسی حق نداره بیشتر از یک ساعت بازی کنه یا فیلمی ببینه، 24 ساعت زمان شبانه روزه، 8 ساعت رو بچه ها می خوانن، یک ساعت رو هم من گفتم بیشتر اجازه نداری توی این فضا باشی؛ این میشه 9 ساعت، 2 ساعت هم وقت صبحانه و ناهار و شام براش بگذاریم، یک ساعت هم این وسط بگذاریم برای فیلم تلویزیون خودمون، 4 یا 5 ساعت هم بگذاریم برای کارهای مدرسه، 2 ساعت هم بشه تکلیف هاشون. چقدر از شبانه روز براشون می مونه؟ همینجوری که نمی شه بنشینه دیوار رو نگاه کنه. باید یک زمان هایی رو بگذاریم برای حرف زدن و صحبت کردن و تعامل داشتن برای فعالیت داشتن مسئولیت دادن به بچه ها، اینکه بیا این کار رو با من انجام بده، یعنی درگیرشون کنیم یا حتی مهارت افزایی براشون داشته باشیم این خیلی کمک کننده س.

حتی از الان بگردین علاقه مندی و استعداد فرزندتون رو پیدا کنید. ممکنه به نجاری و به گل و گیاه باشه ممکنه به نقاشی و طراحی باشه یا هر چیز دیگه ای؛ بیاین این علاقه مندی رو ابزارش رو در اختیارش قرار بدین.

می دونین هر کدام از ما که بزرگ می شیم طبق علاقه مون که سر کار نمی ریم، و طبق علاقه مون که درس نمی خونیم. طبق شرایط زندگی مون توی یک کاری میوفتیم. یک آقا بر اساس

شرایط زندگی اش وارد یک شغلی می شود، ازدواج می کنه و صاحب فرزند میشه. خوب، او از سر کار خسته میاد خانه، چه چیزی می تونه خستگی های او رو بگیره؟ اگر یه مهارتی برای اوقات فراغتش داشته باشه معمولاً آقایانی حال خیلی خوبی دارن که وقتی اوقات فراغتتون می رسه مثلاً از سر کار اومده یک ساعتی هم با خانواده حرف زده یک ساعتی هم قلم و کاغذ بر می داره طراحی می کنه. یک فضای کوچکی کنار خونه گذاشته یک نجاری کوچیک می کنه. کی آدم ها می فهمن که این علاقه مندی ها رو دارن؟ توی سنین سوم چهارم دبستان به بعد آرام آرام مشخص می شود که بچه ها به چه سمتی گرایش پیدا می کنند. معمولاً توی دوره ی ششم هفتم هشتم مدرسه که میشه دیگه تقریباً علاقه و گرایش مشخصه. بگردید گرایش فرزندتان را به یک مهارتی پیدا کنید. ببینید چی براش جذاب تره. اون چیزی رو که دوست داره رو یک مقدار بولد کنید بها بدین و براش زمان بذارین. به جای اینکه تمام وقتش رو صرف این فضای مجازی بکنه یک ساعتی می رود دنبال شعر خوندن و شعر نوشتن. شعر شاعران معاصر یا قبلی رو می خونه؛ در طول هفته یک زمان هایی نه که هر روز. وقتی از سنین پایین، این برایش عادت می شود در سنین بالا هم هر جا فشار زندگی خستگی زیاد روی او سوار می شود، با این فعالیت ها به آرامش می رسد.

شما ببینید، الان ما که به میهمانی می ریم یا میهمان به خونمون میاد، چند دقیقه که حرف می زنن انگار حرفی برای گفتن ندارن. الان هم که تعداد بچه ها کم است. اگر فرزند من یک مهارتی داشته باشد مثلاً دایی یا دوست پدرش می آید بعد به او می گویند علی جان، می روی کتاب شعرت رو بیاری اون شعری رو که گفتی بخونی با چه شوقی برای بقیه شعر می خونه؟ کلی بقیه کیف می کنن که این بچه 11 سالش است داره کتاب شعر به این قشنگی می خونه. یا شعری رو حفظ کرده شروع می کنه در موردش صحبت کردن. اگر اینها رو به او ندیم چه باید به او بدهیم؟ فضای مجازی. برو فیلم ببین. دست بچه یک تبلت میدهند یک فیلم هم توی آن میذارن رنگ ها و تصاویر جذاب، بعد بچه سرش با این گرمه! پدر و مادرها هم دارن کار خودشون رو میکنن.

یک خوراک روح سالم به بچه ها بدهیم که اگر این خوراک روح درگیری ذهن چشم و دست باشه مفیدترین تغذیه ی روح برای بچه هاست. انشاء الله در بزرگسالی می بینیم چقدر به آنها کمک می کنه. هر جا گیر می کنن و حالشون بد می شه، این کمک کننده س و حالشون رو خوب می کنه.

طبق فرمایش یکی از علما هر چیزی که از چشم وارد بدن انسان بشود دیگه نمی تونیم به هیچ وجه پاکش کنیم. شما اگر چیزی رو بیست سال پیش هم با چشمتون با دقت دیده باشین الان

می توانید با جزئیات کامل در موردش حرف بزنید. اما بچه های ما نوجوانان، با چشمشون یک چیزی رو ببینن بعد چشمشون عادت کنه به چنین صحنه هایی را دیدن، بعد ذهن شان دائم درگیر این مسئله هست. وقتی ذهن درگیر باشه، ممکنه خودم هم بگم خوب امتحان کنم ببینم این چیزی که توی این فیلم بود همون حالت هست یا نه. یک همذات پنداری یا کنجگاوای که مخاطب می خواد بره آن را امتحان یا آزمایش کنه.

بچه هامون رو ببریم به سمتی که دهنده باشند نه اینکه دائم گیرنده باشند. اگر بلد است سایت بسازد یا در سایت فعالیتی کند اگر بلد است پیام بدهد مطلب بگذارد. پوستر بگذارد یا پاورپوینت درست کند. این بهترین فعالیت توی فضای مجازی برای بچه هاست.

اینطوری نباشد بچه به خودش بگه که مامانم هر هفته ها دوشنبه ها کلاس داره 8 تا 12 نیست! یعنی مرتب و روتین یه تایمی رو میدونه حتماً مامانش از این ساعت تا اون ساعت نیست. تا جایی که می تونیم ایطوری نباشه مگر شرایطی که دیگه نمی شه حذفش کرد.

قانونی که ما الان بگیریم که از این سن به بعد می تونید به بچه هاتون گوشی بدین یا از این سن به بعد می تونید لپ تاپ به بچه هاتون بدید، این اصلاً قانون ثابتی نداره. من به عنوان مادر باید فرزندم رو بشناسم تا یک حد زیادی. دوم اینکه شرایط زندگیم رو نگاه کنم ببینم چطوره. مثلاً فرزندم من ممکنه با اتوبوس جایی برود بیاید کلاسی ثبت نام کرده می ره باشگاه میاد، این بچه ممکنه گوشی موبایل لازم داشته باشه. ما به طور کلی اگه بخواهیم یه قانون کلی خدمتتون عرض کنیم می گیم هر چقدر دیرتر براتون مقدوره یعنی زمان دادن گوشی موبایل تبلت یا لپ تاپ به صورت خصوصی به آنها هر چقدر دیرتر باشه بهتره.

کامپیوتری که توی خونه هست رو سعی کردیم بحث عمومیت داشته باشه نگم این لپ تاپ یا تبلت مال تو بعد استفاده ش هم فقط توی اتاق باشه، وقتی مالکیت می دیم مالکیتش میشه مال خودش، خودش میتونه استفاده کنه و هر کاری هم دلش بخواد میتونه باهاش بکنه چون مال خودشه. ولی وقتی گذاشتیم توی پذیرایی بچه ها میان اینجا کارشون رو انجام می دن میرن. حالا من تا چند سالگی می تونم این مقاومت رو بکنم؟ تا هر جا که رابطه ی من با فرزندم حفظ شد و دعوا و مرافع نداشتیم و تونستم این شرایط رو حفظ کنم.

دوستان سؤال کردند فرزند 15 ساله شان معمولاً شب که ما می خواهیم برویم بیرون میگه نمیام، چه کنیم؟ شب بیرون رفتنمون رو حذف کنین. یا او رو ببرید یا حذف کنید. غیر از این برای فرزند 15 ساله کار دیگری نمیشه کرد. یک جاهایی رو سعی می کنیم او رو ببریم از قبل اعلام می کنیم که ما خانواده هستیم باید با هم بیایم. بعد شما فکر کنین این از 15 سالگی میگه نمیام، الان هم که سن ازدواج ها رفته بالا؛ مثلاً تصور کنین تا 30 سالگی بخواد کنار پدر

و مادر باشه؛ یعنی 15 سال آینده قراره من و همسرم بریم بیرون و او نیادا! قطعاً هیچ کدوم از ما یک همچنین شرایطی رو نمی پذیریم.

مادری فرمودند توی این دوره ای که بچه ها گوشی دارند، اگر بچه ای نداشته باشه احساس کمبود نمی کنه؟ شما اگر یخچال معمولی داشته باشید خواهرتون یخچال سایید داشته باشه، احساس کمبود می کنی؟ خونه ی خواهر شوهرت فرش دستبافه خونه ی شما فرش ماشینی، آیا احساس کمبود می کنی؟

اگر من گوشی را برای فرزندم نمی گیرم، میگم نداریم گوشی گروه بابات بدبخت این همه داره کار می کنه حالا یک گوشی هم برای تو بگیره بچه ای بلد نیستی باهانش کار کنی خرابش می کنی. بعد باید بره تعمیرات، اینطوری کنه، اونطوری کنه، اگر با این تفکر برای فرزندم گوشی نمی گیرم، بله احساس کمبود می کنم. اما با این تفکر که نه، قانون خونه ی ما اینه که فعلاً شما گوشی نداشته باشی؛ ما فعلاً لازم نمی دونیم برای شما گوشی لمسی تهیه کنیم. هر وقت وقتش شد برات می خریم. هر وقت کاری داری می تونی بیای از این لپ تاپ استفاده کنی. ممکنه این بچه احساس کنه چه مامان بابای سخت گیری دارم ولی احساس کمبود نیست.

پس گوشی نخریدن برای بچه ها بستگی به مدل نخریدن ما داره. اگر قانون باشه بگیرم هر وقت وقتش شد بابات آخرین ورژنش رو می خره برات، میدونی که بابات هم داره؛ مشکلی هم توی این زمینه نداره، قطعاً بچه ممکنه یک غصه ی کوچیکی هم بخوره، ولی این غصه مفیده. غصه ی عدم اعتماد به نفس و نداری و بدبختی و فقر و اینها نیست.

مهارت افزایشی بچه ها خیلی کمک کننده است. مدیریت مکان و زمان برای استفاده از برای فیلم دیدن چه در لپ تاپ یا گوشی و وقت گذاری برای بچه ها خیلی مهم است. سعی نکنید در مورد اینکه چشم هر چیزی رو نبینه و پاک باشه، اگر صحنه ای توی صفحه ی موبایل یا تبلتتان آمد بگین مامان رد کن، در این زمینه با بچه ها صحبت کنین. به بچه ها احساس امنیت بدیم. اگر صحنه ای رو دیدن و براشون طرح سؤال شد بیان با ما در میون بذارن. نره با دوست 12 ساله ی خودش در میون بذاره بگه من اینو دیدم اینو شنیدم به نظرت چیه و او، یک سری اطلاعات غلط بهش بده. یا بگه بریم این رفتارو نکنیم ببینیم اون چیزی که توی اون صحنه دیدیم درسته یا غلطه. هر چقدر من والد امنیت رو توی خونه ام ایجاد کنم طوری بشه که اگر فرزندم صحنه ای رو دید بیاد بگه مامان، من یه چیز دیگه سرچ کردم یک چیز دیگه اومد! مامان این کلمه یعنی چی؟ این تصویرو یه دوستی به من گفته ببین، اومدم دانلودش کردم ولی یه همچین چیزی توش داشته. به نظرت یعنی چی؟ امنیت ایجاد کنم. بگم می فهمم مامان جان؛ دلت نمی خواست ببینی ولی پیش اومد.

بله. این فضا این شکلیه. این فضا بی در و پیکره. این فضا این برنامه ها رو هم داره. یعنی بچه بدونه اگه این صحنه رو دید اومد به مامانش گفت مامانش نمی گه خاک بر سر شدم بدبخت شدم دیگه تو رفتی توی جهنم. این کارها رو تو را به خدا نکنید. مچ بچه ها را خواهشاً نگیرید. احساس امنیت به بچه ها بدهید که اگر دوستی به آنها اطلاعات داده اگر فیلمی رو دیدن از اون اطلاعات کسب کردن بیان به شما بگن. حداقل به شما بگن شما بدونید فضای فکری شون چیه فضای دیداریشنون چیه که بتونید بهشون کمک کنین.